

# برتری روانی انقلاب را بر ضد انقلاب، تحکیم و تقویت کنیم!

مردم را بیدار  
کنیم و به آنها  
امید بدهیم!

صفحه ۷

## امام خمینی:

زیادند اشخاصی که از ملت و ملیت دم میزنند، لکن وقتی که به قدرت میروند، برخلاف ملت و ملیت عمل می کنند

- \* این بختیار بود که همه دیدید از جبهه ملی بود و از ملی گرایان دیدید که با ملت ما چه کرد.
- \* بسیاری از آنها (شرکت کنندگان در کنفرانس طائف) را، همشما و هم مامی شناسیم، چقدر با صهیونیسم همراه بودند

تفرقه است؟ طرح جدا کردن يك قشر از قشر دیگر است؟ یا دعوت به وحدت و دعوت به انسجام است؟

امام خمینی همچنین ضمن اشاره به تجاوز و حشیانه رژیم صدام به مملکت ما و کشتار عده زیادی از هموطنان ما، به کنفرانس طائف اشاره کردند و گفتند: بقیه در صفحه ۴

نیروی هوایی آمیدید در صحنه و مخالفت کردید با رژیم طاغوتی، آرزوی شما، در تاریخ ثبت شد.

امام خمینی خطاب به پرسنل نیروی هوایی گفتند: «کسانی که در داخل شما وارد می شوند و بیخ گوش شما مسائلی را طرح می کنند، توجه کنید که طرح این طور مسائل طرح

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در دیدار با پرسنل نیروی هوایی، روز ۱۹ بهمن ۵۹ سخنانی ایراد کردند.

امام خمینی ابتدا ضمن اشاره به پیوستن پرسنل نیروی هوایی به صفوف انقلاب در روزهای قبل از ۲۲ بهمن ۵۷، گفتند: «آرزوی که شما آقایان

## گسترش و انسجام جنبش کشورهای غیر متعهد در مبارزه علیه امپریالیسم

روز دوشنبه بیستم بهمن ماه ۵۹، کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعهد در سطح وزیران امور خارجه عضو این جنبش، در دهلی نو پایتخت جمهوری هند کار خود را آغاز میکند.

نظری گذرا به تاریخچه جنبش غیرمتهمها

در ما آوریل سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴) نخستین گردهم آیی نمایندگان تعدادی از کشورهای نو- استقلال آسیا و آفریقا در باندونگ تشکیل یافته در صفحه ۴



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۰  
دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با  
۳ ربیع الثانی ۱۳۰۱-۱۳۰۲: ۱۵ ریال

در سالگرد انقلاب توسط سندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر:

## فستیوال تئاتر انقلاب در تهران برگزار می شود

سندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر ایران به مناسبت سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران اقدام به برپائی «فستیوال تئاتر انقلاب» کرده است. این فستیوال از روز ۲۳ تا ۲۹ بهمن ماه جاری در تئاترهای پارس، دهقان، ملت و نصر برگزار می شود. ساعت شروع این نمایشها ۳ بعد از ظهر، محل این تئاترها، تهران - خیابان لاله زار است. همچنین به مناسبت سالگرد انقلاب، ۶ نمایش خیابانی، روز ۲۳ بهمن ۵۹، در میدان امام خمینی، ساعت ۳ بعد از ظهر اجرا خواهد شد.

## بدنبال اعلام نرخ رسمی مرغ از طرف ستاد بسیج اقتصادی: سرمایه داران با عرضه نکردن مرغ، تهران را با کمبود مرغ مواجه کرده اند

- \* وقتی ستاد بسیج اقتصادی قیمت رسمی مرغ را، که کیلویی ۱۰ تومان کمتر از قیمت بازار بود، اعلام کرده، تولیدکنندگان از عرضه مرغ به فروشندگان مجاز خودداری کردند.
- \* در حال حاضر مرغفروشیهای تهران تعطیل است و تنها از طریق بازار سیاه می توان مرغ تازه را کیلویی ۳۵ تومان بدست آورد.

به خریداران عرضه میشود. قیمت مرغ، که در سال گذشته کیلویی ۲۲ تومان بود، ناگهان در عرض چند هفته گذشته به کیلویی ۳۰ الی ۳۲ تومان رسید. عمده فروشان، مرغ زنده را بطور آزاد کیلویی ۲۱ تومان به کشتارکنندگان می فروختند. آنها نیز به قیمت کیلویی ۲۴ تومان بقیه در صفحه ۴

تولیدکنندگان مرغ، که اغلب آنها سرمایه داران بزرگ هستند، از چند روز پیش اکثر مغازه های مرغفروشی در سطح شهر به علت همین کمبود مصنوعی تعطیل است، و این در حالی است که تولیدکنندگان، مرغ را به قیمت غیررسمی به کشتارکنندگان غیرمجاز می فروشتند و در نتیجه مرغ در بازار سیاه کیلویی ۳۵ تومان

با اعلام نرخ رسمی مرغ از طرف ستاد بسیج اقتصادی کشور و ارزاتر شدن آن، تولیدکنندگان بزرگ مرغ از توزیع مرغ خودداری کردند و بدنبال آن، تهران با کمبود مصنوعی مرغ مواجه گردید و اغلب مغازه های مرغفروشی تعطیل شدند. براساس گزارش خبرنگاران نامه «مردم»، به دنبال این اقدام

## درباره گزارشهای جعلی ضد شوروی جراید و استفاده تبلیغاتی امپریالیستی

رادیو مسکو در برنامه فارسی خود در تاریخ ۱۷ بهمن ۵۹، در تفسیری، زیر عنوان: «درباره گزارشهای جعلی ضد شوروی جراید و دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی»، در باره خبر کذابی «ارسال ۱۰۰ تانک ساخت شوروی از طریق عربستان به عراق»، که متأسفانه برخی از رسانه های گروهی متعهد ما نیز بار دیگر بدام آن افتادند، از جمله، چنین گفت: «در دوران اخیر دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی، در رابطه با ادامه درگیری مسلحانه میان ایران و عراق باز هم غوغای دروغینیه پراه انداخته است. رادیوهای «صدای آمریکا» و بقیه در صفحه ۷

## تعداد زیادی از سنگرهای دشمن در جبهه ها نابود شد

دشمن را به آتش کشیدند. شهر قهرمان پرور آبادان در همین مدت ناجوانمردانه زیر آتش سلاحهای سنگین دشمن قرار داشت، که در نتیجه به يك میدان شهر صدماتی وارد شد و سه نفر از پرسنل شهربانی مجروح شدند.

۲- در جبهه خونین شهربان رزمندگان دلیر ارتش جمهوری اسلامی ایران تعدادی از سنگرهای انفجاری ارتش عراق را منهدم کردند. در این عملیات يك سرباز جانباز نیروی دریایی مجروح شد.

۳- دیروز و پریروز مواضع یگانهای دشمن متجاوز در جبهه های سوسنگر زیر آتش توپخانه نیروهای رزمنده اسلام موفق شدند يك تانک و سه سنگر دشمن را منهدم و هشت تن از افراد دشمن را اسیر کنند. بقیه در صفحه ۷

نبرد میان دلوران جمهوری اسلامی ایران علیه تجاوزگران صدامی در جبهه های غرب و جنوب کشور همچنان ادامه دارد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۹۸ خود، بخشی از عملیات را بدین شرح اعلام کرد:

۱- دلوران رزمنده ارتش جمهوری اسلامی ایران، در یکی از جبهه های آبادان، يك لودر، يك خمپاره انداز، يك انبار مهمات و چند سنگر اجتماعی و انفرادی

زحمتکش برای زمین - شهیدان بهای آزادی خلق را از جان خویش میدهند - دو سال نبرد با امپریالیسم جنایتکار آمریکا - انقلابی بزرگتر از انقلاب اول - خانه از پایست ویران است - یکسال همراه فراز و نشیب های انقلاب

## ویژه نامه دومین سالگرد انقلاب شکوه مند مردم ایران



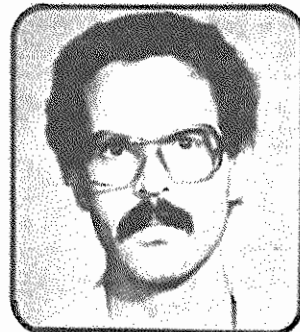
ضمیمه نامه «مردم» با مطالب زیرین منتشر شد:

- دومین سال انقلاب شکوهمند بهمن، سال پیروزی بر توطئه های پیاپی امپریالیسم و ضدانقلاب
- در کوره آزمون تاریخ
- حزب توده ایران و نقش آن در پاسداری و بالندگی انقلاب
- سالی دیگر همراه با خط ضد امپریالیستی و خلقی امام
- تا شب چراغ دریا... (شعر)
- نهادهای انقلابی در خدمت آرمانهای انقلاب
- دو سال مبارزه دهقانان

## نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

## کیخسرو و کیخسروی، نامی جدید بر «لوح افتخار» حزب توده ایران

- \* «ما متعلق به خود و فامیل خود نیستیم، ما متعلق به تاریخ یک ملت رنج دیده ایم و باید شایسته این وظیفه ای که تاریخ بگردن ما نهاده است، باشیم».
- \* در صف مقدم جبهه به قوای خصم یورش برد و در بازگشت در صف مقدم شهدا جای داشت.



جزء دعوت کنندگان به اعتراض و اعتصاب علیه رژیم منقرض پهلوی بود، به جستجوی دلایل اعتراضات مرفت و آنرا که درست می یافت، بدان می پیوست. کیخسرو هنوز در دانشکده تحصیل میکرد که پدرش فوت کرد و مسئولیت اداره خانواده نیز به او واگذار شد. پس از اتمام تحصیلات و گذراندن دوران سربازی، به کار پدرش (پیشوری) ادامه داد. رفیق کیخسروی در این زمان بقیه در صفحه ۴

دانشگاه تهران شد. به گواهی دوستانش، مردی آزاده، شجاع، منطقی و انسان دوست بود. در دوران دانشجویی

رزمنده های دیگر از تبار توده های ایران در دفاع از استقلال و آزادی ایران بر خاک افتاد، لاله ای دیگر در دشت لاله خیز وطن روئید و سالاری دیگر به رهروان قافله شهدای توده ای پیوست. رفیق کیخسرو کیخسروی در ۱۳۲۹ در تهران دنیا آمد. پدرش پیشه ور و مادرش معلم بود. کودکی خود را در تهران - پارس گذراند و در دبیرستان خود را در سال ۱۳۴۸ در دبیرستان فیروز بهرام بی پایان برد و در سال ۱۳۴۹ وارد دانشکده کشاورزی

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



# دهه هشتاد - دهه سرنوشتی در تاریخ

## بدون داشتن تصور روشن از آنچه که در جهان می گذرد، نمی توان از مسیر آتی انقلاب ایران تصور روشنی بدست آورد.

ما وارد سال ۱۹۸۱ شده ایم . دهه نهم قرن بیستم دیگر آغاز شده و مقدر است که این دهه ، به دهه سرنوشتی تاریخ بدل شود . امپریالیسم ( سرمایه داری بزرگ انحصاری دولتی ) که سرکرده آن امپریالیسم هار آمریکا است ، به همراه یکن ( که حساب های " شامورثی بازی " عجیبی را به سود سیطره " جهانی خود دنبال می کند ! ) می خواهنند سیر تاریخ را در مجرای دل بخشواه خود بیفکنند .

بنا به عقیده آنها ، رویداد های که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در ۱۹۱۷ شروع شده ، خطای تاریخ است . به عقیده آنها عدم کامیابی هیتر و متحدان آشکار و نهانش در شرق و غرب برای محسو نتایج انقلاب ۱۹۱۷ ، ثمره یک سلسله اشتباهات پیش بینی پذیر بوده است . هیتر " حماقت " کرده است . به عقیده آنها ادعای آنکه تاریخ دارای یک مسیر پیش رونده است ، ادعای غلطی است .

سرمایه داری و همه نیروهای مرتجع جهان هنوز بسیار بسیار امیدوارند و چشم به راه روزی هستند که همانطور که جرج آلن سفیر اسبق آمریکا در ایران هوس داشت - پرچم ستاره و نوار بر فراز کرملین بماه تراز در آید !

ولی بنا به جامعه شناسی علمی ، طی دو دهه آینده - با تکیه به آنچه که در دهه اول قرن بیستم گذشته - تناسب نیروی اقتصادی ، نظامی ، سیاسی و فرهنگی چنان به سود نیروهای انقلابی جهان دست - خوش درگونی قاطع خواهد شد ، که

رسیده ) ، نمی توان مهار کرد ، زیرا همه خانواده های متوسط آمریکایی ، که در سال ۱۹۷۵ از بانک ها وام گرفته اند ، امسال بجای یک دلار فقط شصت سنت می پردازند و این منبع خوبی برای میلیون ها خانواده است ، که تا زمانه بر سمد سرکش تورم می زند . چگونه می توان این آرزو سودجویی را ، که خود سرمایه داری مولد آنست ، متوقف ساخت ؟! پیش بینی می کنند که پدیده " Stagnation رکود - تورم " در دهه هشتاد ادامه خواهد یافت .

از همه بالاتر ، سیر تاریخ را با یک چندرقم ، با یک چند واقعیت ، نمی توان پیش بینی کرد . تحلیل تاریخ کار ساده ای نیست . ما وقتی از تحلیل تاریخ سخن می گویم ، محورهای اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، فرهنگی و مدنی متعددی را در حساب وارد می کنیم و نتیجه می گیریم : تاریخ اگر چه دارای مسیری پرتضار است ، و دوره های کوتاه پیش بینی ناپذیر است ، ولی در مجموع پویای پیش رونده و پیش بینی پذیر دارد . در تاریخ اگر چه سیر خود بخودی همیشه بسیار قوی بوده ، ولی در عصر ما سیر آگاهانه ، رهبری آگاهانه ، تاثیر عامل آگاهانه انقلابی بسیار نیرومند است و بهمین جهت ما با اطمینان می گویم که دو دهه باقیمانده از سده بیستم ، دهه

های سرنوشتی برای انسانیت است و ما بی نلزل بر آنیم که این دهه ها به سیطره بول بر فضایل اخلاقی و علمی و معنوی خاتمه خواهد داد و گوساله پرستی سامریان عصر اتم را به زباله دان تاریخ خواهد فرستاد .

ایران ما از کانون های سوزان این سیر بر تعب ، ولی افتخار آمیز است . ای چه بسا امپریالیسم بتواند در این کشور فسادها و فتنه های سرکش آلود برپا کند ! کدام تحول انقلابی در جهان از این مصائب تضمین شده است . ولی ایران به زنجیرهای اسارت امپریالیسم - بسر کردگی آمریکا ، بازگشتنی نیست و این ریگان ها ، بختیارها ، اویسی ها و صدام ها نیستند که آینده این کشور را معین خواهند کرد .

برخی از عناصر کوتاه بین ، که علاقه آنها به " شیوه زندگی آمریکایی " از دل بستگی آنها به تکامل تاریخ میهنشان زیاده تر است ، با بزرگ کردن این یا آن واقعه گذرا و توصیف فاجعه آمیز از وضع ، کم کم کار را به مدح و ثنای دوران ننگین پهلوئی کشیده اند !

به آنها که حسن نیتی دارند می گویم : از یک واقعه شروع نکنید ، برای آنکه تاریخ جهان معاصر را بنام خود شروع نکنید . برای آنکه فلان واقعه را در چارچوب واقعی آن قرار دهید . از خود منشا نگیرید ، برای آنکه حرکت جامعه را بنام خود ، از حرکت مستقل جامعه شروع کنید ، برای آنکه جای خود را تشخیص دهید .

این دو روش ، یکی روش خود خواهانه لیبرالی است و دیگری روش فدکارانه انقلابی . انتخاب با شماست !

تاریخ انسانیت وارد مرحله کیفی نویی خواهد گردید که مشخصات عمده آن ، صلح پایدار ، دوستی خلقها و پایان بهره کشی است . چندی پیش در مصاحبه ای با ژنرال چهارستاره هیگ ، فرمانده سابق " ناتو " و وزیر خارجه کنونی رنالد ریگان ، از وی پرسیدند که وضع را چگونه می بیند ؟ هیگ در کمسیون خارجه سنا گفت که تحول تناسب نیروها بین " شرق و غرب " طوری است که اگر چند سال دیگر ادامه یابد ، سیاست غرب فلج خواهد شد . روشن است که آقای ژنرال چهارستاره نماینده " مجتمع نظامی - صنعتی " آمریکا ، از این سخن یک منظور اساسی را دنبال می کند و آن اینکه : پس باید آمریکا و اروپای غربی و ژاپن - چهار اسبه در جاده تسلیحات دم افزون بتازند و بر حریف برتری یابند ، ولی در این اظهارات هیگ در کمسیون سنا ، یک اعتراف ناگزیر نیز وجود دارد و آن اینکه : امپریالیست ها نتوانستند ، علی رغم تلاشهای فراوان از سیر مستمر تحول انقلابی جهان جلوگیری کنند . اصرار آنها در باره آن که باید " وضع موجود ( Status Quo ) در جهان حفظ شود ، بجای برسد . پاسخ کشورهای سوسیالیستی روشن بود : احدی حق ندارد و نیز نمی تواند جلوی سیل غران تکامل تاریخی را به روشنی دریابیم .

نیرو و خرد خلقها از زور و نیرنگ ستگران خلقها بالاتر است ؛ تصور سیاستمداران سرمایه داری ، که به این زاینده گی تاریخی جنبش خلقها باور ندارند ، همیشه طی قرنهای ۱۹ و ۲۰ آن بوده و کماکان هست ، فلان ناکامی ناشی از فلان اشتباه محاسبه بوده . مثلا اخیرا " در " سیا " خانه تکانی مفصلی می شود . در باره سالار ستانفیلد ترنر ، رئیس " سیا " که کارتر او را با سلام و صلوات آورده بود ، متهم می شود که به نوعی " جنون کومپوتری " دچار بود و نقش کهنه و مطمئن " تحلیل سیاسی " را ناچیز گرفته بود . اکنون جاسوس پرفر بی به نام ویلیام کی سی رئیس " سیا " می شود که از هواداران پروپا قرص " تحلیل سیاسی " است ! " تحلیل سیاسی " آقایان به کجا می رسد ؟ به اینجا که باید حتما و حتما " سود حداکثر شرکت های چند ملیتی ، که در آنها آمریکا " سهم شیر " دارد ، رو به فرونی برود . در پشت جلد شماره ۱۹ مجله آمریکایی " تایم " تصویر جالبی است از دلار به صورت یک دیوار در حال فرو ریختن که با انواع شمع و طناب عجالتا سر پا نگاه داشته شده و وظیفه ریگان آنست که این دیوار تمام ویران تعمیر نا پذیر را تعمیر کند ! مجله اعتراف دارد که مثلا نرخ روز - افزون تورم را ( که گاه تا ۱۳ درصد

# گستاخی لیبرال ها

### لیبرال ها تمام سیاستشان ضد خط امام است، ولی باز مدعیند که در خط امام اند!

امام خمینی در یکی از آخرین سخنان خود به درستی می گویند : " ما باید همه کوشش کنیم که امید ایجاد کنیم در ملت . ولی " فاطمه ح " این عضو خاندان لیبرال ها ، درست برخلاف خواست امام خمینی ، درباره انقلاب آپه یاس رقم می زند ، تمام ره آورد های گرانقدر انقلاب بزرگ و شگوه مند ۲۲ بهمن را نادیده می گیرد و چنان منظره تاریک ویاس آور و هولناکی از انقلاب ترسیم می کند ، که گویی لشکر جرار خود برای کشور تاخت آورده اند . " فاطمه ح " می نویسد :

" این همه ظلم و شکست در این انقلاب را چگونه تحمل کنیم ؟ " " اختناق هست ، سانسور هست ، ظلم هست ، بی عدالتی هست ، ندانم کاری هست ، تنظیم و توزیع کارها بر اساس روابط و نه ضوابط هست ، نفوذ خائنین شناخته شده راست و چپ هست ، فشار هست ، تبعیض هست ، اختلاف هست ، امنیت نیست . " و سپس مظلوم نمایی می کند که :

" اگر مرامی گناه و به جرم اعتراض به ظلم بگیرند بی مجوز زندانی کنند ، دادمان را کسی نمی شنود ، و اگر آزادمان کنند ، جرات شکایت و تعقیب نداریم . ای امام ، خدا را به شهادت می گیرم که دلم خون انقلاب و اسلام است . " فاطمه ح " برای آن که منظره موحشی را که خود ساخته است تکمیل کند ، می نویسد :

لیبرال ها برای تحمیل خط سازش و تسلیم خود به انقلاب ، این بار با گستاخی به میدان آمده اند . آن ها گاه پوشیده و گاه آشکارا به صحنه می آیند با امضا های آشنا و ناشناخته می نویسند : " فاطمه ح " و " نسیم سحر " و " مهدی چهل تنی " را به چهره می آویزند ، تا بر ترس خود فایز آیند و جسارت خود را برای هجوم به انقلاب افزون سازند . روزنامه های وابسته به لیبرال ها ، هر صبح و هر عصر ، چنان تصویر زشتی از انقلاب ترسیم می کنند که هر مغز خام اندیش حق دارد از خود بپرسد که : انقلابی این چنین آباد دفع کردنی است ؟

آخرین نمونه گویای حرکت لیبرال ها در جهت مخالف خط امام خمینی و خواست امام خمینی ، سر مقاله ۱۳ بهمن ۵۹ روزنامه " میزان " است ، که با عنوان " ای امام " به امضاء " فاطمه ح " انتشار یافته است . نویسنده مقاله ، که امضاء مستعار را " حجاب چهره " لیبرال خویش ساخته ، می گوید تا با مشت جملات احساساتی به اصطلاح تاثیر نوشتار خود را دوچندان سازد . اما در واقع چیز تازه ای نمی گوید همان اتهامات روزنامه های صبح و عصر وابسته به لیبرال ها را به زبانی دیگر تکرار می کند .

" فاطمه ح " در خطاب خود به امام خمینی می نویسد :

" هر کلامت مثل وحی بر لوح دلمان نقش بست و خط مان خط توست و خواست مان خواست تو . اما هر آنچه در این مقاله به رشته تحریر کشیده است ، در تضاد با کلام امام خمینی ، خط امام خمینی و خواست امام خمینی است . و چون نویسنده گمان می برد که مردم هوشیار خط او را که خط لیبرال ها است ، بشناسند ، او را ضد انقلابی و ضد خط امام بدانند ، دست پیش را می گیرد که :

" حتی توده های ، امثال مرا ضد انقلاب و ضد خط تو می دانند ، تا چنین وانمود کنند که فقط " توده های " لیبرال ها را ضد انقلابی و مخالف خط امام می دانند .

به مقاله " فاطمه ح " مراجعه کنیم ، تا خط ضد انقلابی و مخالف خط امام او

کشد . "

امام خمینی می گویند : " تضعیف تکبید دولت را ، تضعیف تکبید اشخاصی که خد متذکران هستند . " اما لیبرال ها میان مستولان جمهوری اسلامی و طاغوتیان دولتمدار نظام مغرور گذشته علامت تساوی می گذارند و با قلم " فاطمه ح " می نویسند :

" ای امام ! این نودولتان را بر سر جای خودشان نشان که فقط دو سال است از شر آن مستکبران قدرتمند رها شده ایم . "

امام خمینی می گویند : " اگر بخواید که کشورتان مستقل باشد ، اگر بخواید که کشورتان روی پای خودش بایستد و بخواید آزاد باشید ، باید از این طور مناقشات دست بردارید و همه نظر حسن بکنید و برادروار همه کمک بکنید تا این کشور به مقصد خودش برسد . "

اما لیبرال ها دعوت امام خمینی را به حفظ آرامش و همکاری که با توجه به حساسیت شرایط است ناشنیده می گیرند و بمتاب " جاده صاف کن ضد انقلاب ، زیر پوشش " اعتراض به ظلم " به کل انقلاب می تازند و هر کس و هر چیز را که برخلاف منافع خود تشخیص دهند ، به باد حمله و دشنام و اتهام می گیرند .

امام خمینی می گویند : " در صدد نیایشید که این گروه ، آن گروه را عقب بزنند و آن گروه ، این گروه را " " " اما لیبرال ها فکر روزگرمه و غم شان اینست که به بهانه " عدم تخصص " و با سوء استفاده از نارسایی ها ، کمبودها ، تناقض و اشتباهات ، مسلمانان انقلابی را به درون خانه ها و مساجد بفرستند و خود بر مسند قدرت دولتی جای گیرند .

امام خمینی می گویند : " بالاترین گرفتاری ما حب جاه است . و حب جاه و مقام و مهم تراز همه تا مین منافع طبقاتی ، چنان لیبرال ها را از خود بی خود ساخته ، که با تمام توان برای مسخ انقلاب و برقراری دولت " میانه روی " خود می کوشند . آنان را باکی نیست که درگیر و در این مناقشات ، بقیه در صف ۶



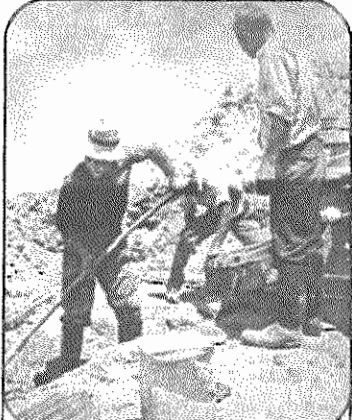
آیا لیبرال آگاهی کار را کار گذاشته

کارگران معدن سرب نخلک (انارک - نائین):

# ما حاضریم دست به هر گونه فداکاری در راه انقلاب بزنیم

باید از امکانات شهرک انارک کمال استفاده بعمل آید

زندهای منطقه انارک عموماً به کارخانه‌داری مشغولند و در کنار آن قالی نسجی می‌سازند.



در حال استخراج سرب هستند. شاید گلوله‌ای شود بر قلب امپریالیسم آمریکا

قالی‌ها بی‌کی که در این منطقه یافت می‌شود، از نوع قالی‌های مرغوب نائینی است. ولی اغلب قالی‌ها با فانس‌های از خود ندارند.

انکارنه‌انگارکه این دستور اما ما است که با پدما می‌سوادها با سوادشوند و همه فنون نظامی را فرا گیرند. ولی با همه اینها، بقول اما خمینی، این انقلاب، انقلاب زاغه نشینان بر علیه مستکبرین است. پس ما که مستضعفتر از خود نمی‌شناسیم، باید با ای جان از این انقلاب حمایت و پشتیبانی کنیم. او از خاطرات گذشته خود می‌گوید:

در زمان طاغوت به خواست و تلاش کارگران، چسند روزی به کارگران شیردادند، ولی زود قطع کردند. وقتی کارگران اعتراض کردند، مسئول اداره کا رو موراجتمای آن زمان اصفهان به محل معدن آمد و گفت: "چون شما در معدن سرب کار می‌کنید، اگر شیر بخورید خیلی زود می‌میرید!" او با زتاکید کرد:

"ما میدوایم که در جمهوری اسلامی دیگر هرگز این گونه افراد در پراس کارها قرار نگیرند."

سرب، در حال استخراج دولتی (معدن "تال سی" در بیست و چهار کیلومتری انارک، معدن مس و رانیوم، متروک) توده زحمتکش این منطقه بحق انتظار دارند که دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران، برای بکارگرفتن نیروی بیکار آنان و همچنین بحرکت درآوردن هر چه بیشتر جریحهای اقتصاد کشور، اقدام به استخراج و تولید تعدادی از این معادن کند.

یکی از جوانان انارکی بنام احمد، که بطور موقت در معدن نخلک مشغول بکار شده است، می‌گوید:

"تنها در شهرک انارک دهها دختر و پسر جوان دیپلمه و بالاتر هستند، که بیکارند." او اضافه کرد که:

"ما حاضریم دست به هر گونه فداکاری در راه انقلاب بزنیم، ولی متقابلاً از دولت انقلاب انتظار داریم که مشکلاتمان را، که بزرگترین آنها بیکاری است، بتدریج حل کند."

## اغلب کارگران بی‌سوادند و

"بسیج" هم ندارند

با اینکه حدود نود درصد از



ما حاضریم دست به هر گونه فداکاری در راه انقلاب بزنیم

کارگران شاغل بکار در معدن نخلک بی‌سوادند، هنوز هیچگونه اقدامی برای تشکیل کلاس‌های سوادآموزی کارگران انجام نگرفته است. همچنین با اینکه بیشتر کارگران شوقاً موختن فنون نظامی را دارند، ولی کلاس‌های "بسیج" برای آنها تشکیل نشده است. البته در شهرک انارک در سطح دانش‌آموزان کلاس بسیج وجود دارد، ولی با توجه به اینکه کارگران تقریباً تمام وقت خود را در محل معدن سرب نخلک می‌گذرانند و با توجه به اینکه طبقه کارگر ایران بزرگترین پشتیبان و حامی انقلاب است، لازم است که در محل معدن سرب نخلک نیز کلاس‌های بسیج و سوادآموزی ایجاد شود. یکی از کارگران با سابقه معدن، بنام عباسعلی، در این خصوص می‌گوید:

"من بیست و پنج سال است که در این معدن کار می‌کنم و بیش از هر کس به درد کارگران معدن کار آشنا هستم. ما می‌خواهیم با سواد شویم و تعلیم نظامی ببینیم، ولی مثل اینکه مسئولان این معدن گوششان به این حرف‌ها بدهکار نیست و

شهرک کارگری "انارک" در حدود ۹۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان نائین قرار دارد. بخش انارک در ناحیه خشک نیمه - صحرائی حاشیه کویر واقع است. "معدن سرب نخلک" بزرگترین محل کارگاهی این منطقه است که کارگران بسیاری از نواحی اطراف، حتی از جاهای دور دست، از قبیل "چوپانان"، "جندق"، "فروخی"، "ایراج" و "خور" از توابع خور و بیابانک به آنجا آمده‌اند و در حال حاضر مشغول کارند.

شهرک انارک حدود سه هزار نفر جمعیت دارد. بیشتر مردان روستا در طول هفته برای کار در محل "معدن نخلک" بسمی می‌روند و تنها در روزهای تعطیل برای دیدن رختخواب‌های خود به انارک می‌روند.

معدن سرب نخلک بزرگترین معدن در حال استخراج این منطقه است که حدود شصت نفر کارگر در آن مشغول بکار هستند. معدن در صورت توسعه، گنجایش اشتغال بکار بیش از هزار نفر کارگر را دارد.

در هوای خشک و نامطبوع "معدن سرب نخلک"، کارگران با چهره‌های استخوانی و سوخته و با شوری ستودنی تلاش می‌کنند، تا از عمق دو پست متری زمین، مقداری سرب بدست آورند، تا شاید گلوله‌ای بشود، بر قلب امپریالیسم آمریکا - دشمن اصلی مردم ایران و تمام مستضعفین روی زمین.

## بیکاری با وجود امکانات کاری

در حالی که امکاناتی از قبیل معادن غنی و متروک و همچنین آموزشگاه‌های آموزشی نخلک وجود دارد، صدها جوان دیپلمه و مستعد این منطقه بی‌کارند. در محل معدن سرب نخلک آموزشگاه‌های با امکانات و وسایل آموزشی کافی وجود دارد، که قبلاً هر سال ده‌ها تکنسین معدن در آن تربیت می‌شدند. ولی این مرکز پس از انقلاب به علت سهل‌انگاری مسئولان امر و عدم تأمین بودجه آن، به تعطیلی گشایده شده است.

همچنین در اطراف انارک، معادن بسیار غنی و دست‌نخورده‌ای وجود دارد، که در صورت شروع به استخراج آنها، هم بخشی از نیروی بیکار منطقه بکار گرفته می‌شود، هم احتیاجات صنعتی کشور از لحاظ بسیاری از مواد خام اولیه برآورده خواهد شد. تعدادی از معادن این منطقه عبارتند از:

- ۱- معدن "پیوک" در دو کیلومتری انارک. (معدن قلع، حدود سی سال است که متروک است.)
- ۲- معدن "کال کالی" در پنجاه کیلومتری انارک (معدن طلای زرد که معدنی است غنی و حدود سی سال متروک بوده است)
- ۳- معدن "خونی" در پنجاه کیلومتری انارک (طلای زرد، متروک)
- ۴- معدن "سیاه‌کو" در هفتاد و پنج کیلومتری انارک (معدن سرب، خصوصی و در حال استخراج و قابل توسعه)
- ۵- معدن "نخلک" در جهل و پنج کیلومتری انارک، (معدن

## کارگران کارخانه نساجی سمنان:

# عراق بدستور آمریکا به ایران حمله کرده است. ما سرانجام پیروزمی‌شویم

خانه سالن غذا خوری داشتند. با شد؟ یا نم‌به‌جا وعده می‌دهند، اما سها نگرانی‌ها وجود دارد. در این کارخانه از وجود کودکانی که با پدرچنین سنی به تحصیل بپردازند، و بیاموزند، برای سوجدویی بیشتر، استفاده می‌کنند.

از کار کودکان در کارخانه - ها و کارگاه‌ها با جلوگیری به عمل آید و شرایط لازم جهت تحصیل و تفریح کودکان فراهم شود. همچنین باید کارگاه‌هایی را که از کودکان در کارخانه استفاده می‌کنند، مورد بازخواست و مجازات قرار داد.

محلی نیز برای ناهار - خوری باید ایجاد شود تا کارگران بتوانند هنگام غذا خوردن از محیط ناسالم و غیر بهداشتی کارخانه در امان باشند.

## نظر کارگران درباره جنگ

کارگران درباره جنگ گفتند: "یک روز از حقوق خود را به امر جنگ اختتام داده‌ایم، تا به رزمندگان جبهه جنگ کمک کرده‌ایم. برای اینکه در آمادگی رزمی باشیم، کارگران آموزش اسلحه می‌بینند. عده‌ای از کارگران هم به جبهه رفته‌اند."

کارگردیگری گفت: "مدام حسین با همکاری آمریکا به ایران حمله کرده است. آنها انتظار داشتند، که در دو روز اول جنگ پیروز شوند. ولی امروز توده‌های قهرمان میهن ما نشان دادند که می‌توانند تاج و زکران را شکست دهند. ما بالاخره پیروزمی‌شویم."

دست‌ها بی‌ان در تماس با روغن و قطعات دستگاهاست. بعد از پایان کار با پدبندمان را بشوئیم. ولی در طول ماه فقط یک قالب ما بون برای شستشو می‌دهند و این اصلابرای کارگران کافی نیست."

## از کارگران نظرخواهی نمی‌کنند

کارگردیگری گفت: "برای رسیدگی به وضع کارگران و رفع مشکلاتشان، خود کارگران می‌توانند پیشنهادها را خوب بدهند. ولی از کارگران نظرخواهی نمی‌کنند. با بالا رفتن قیمت‌ها، دستمزد ما املا نمی‌تواند جوابگوی هزینه زندگی باشد. مگر ما نباید زندگی کنیم؟ مگر ما نباید از حداقل شرایط زندگی برخوردار باشیم؟"

تأمین وسایل و امکانات بهداشتی برای حفظ سلامتی کارگران ضروری است. ساعتها کار در محیطی غیر بهداشتی، بدون داشتن وسایل بهداشتی برای محافظت خود از گردوغبار ناشی از کار، می‌تواند بی‌خطر جدی جان کارگران را تهدید کند. باید برای کارگران وسایل بهداشتی، چون ماسک و تهویه تهیه شود.

## بمهره‌کشی از کودکان در کارخانه

کارگردیگری، در حالیکه از کار کودکان در کارخانه گلگه داشته گفت: "در کارخانه هنوز از وجود کودکان استفاده می‌شود. باید از کار این کودکان جلوگیری کرد. وی در ادامه سخنان خود گفت: "کارگران به علت نداشتن ناهار خوری مجبورند در حالیکه پشت دستگاها ایستاده‌اند و کار می‌کنند، ناهار خود را در همانجا بخورند. چرا نباید کار-

با سقوط رژیم طاغوت، وظایف نوپاگونی به انقلاب محول شد. از عمده‌ترین این وظایف تا مین خواست‌های زحمتکشان میهنمان برای ایجاد زندگی بهتر بود. وظیفه‌ای که هنوز گام‌های مهم و قابل لمس آن در راه است. اقدامات در شعارها نمی‌توانند خلاصه شوند. باقی ماندن در شعارها و عدم اجرای طرح‌ها تنها می‌تواند در جهت نارضایتی کارگران و در نتیجه تضعیف انقلاب باشد. باید با حل مشکلات کارگران و تأمین خواست‌هایشان، پایه‌های انقلاب را هر چه مستحکم‌تر ساخت و از نیروی عظیم آنها برای پیشبرد اهداف انقلاب یاری گرفت.

کارگران نساجی سمنان نیز گروهی از کارگران میهنمان هستند که با پیروزی انقلاب، امید به تحقق خواست‌های خود دارند. خواست‌هایی که تاکنون برآورده نشده است. با اینحال این کارگران هنوز به انقلاب امیدوارند و حاضرند از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع کنند.

## مشکلات کارگران و خواست‌ها

از مشکلات کارگران کارخانه نساجی سمنان مسائل صنفی آنهاست. مشکلی که پس از دو سال هنوز لاینحل باقی مانده است. برای آشنایی بیشتر با مشکلات کارگران، با چند نفر از آنها به گفتگو نشستیم. یکی از کارگران گفت: "فضای کارخانه، جا شیکه دستگاها با فندگی و ریسندگی و خلایق قرار دارند، برآزگرد و خاک و ذرات پنبه است. در نتیجه کارگران، برای کار، احتیاج به فضای سالم و وسایل بهداشتی دارند. در حالیکه تعداد کمی از کارگران از این امکانات برخوردار هستند. باید برای تمام کارگران این امکانات فراهم شود. در مدتی که پشت دستگاها کار می‌کنیم،

### فتودال ها از نفوذ انقلاب به منطقه جیرفت جلوگیری می کنند

تاکنون عمده های از پاسداران و مسئولین محلی توسط فتودالها کشته شده اند.

اصلاحات ارضی می گفت: "اگر بجای هیئت ۷ نفری، هیئت ۷۰ نفری هم به جیرفت بیاید، فردای آنروز یا با خوشی و یا به زور آنرا برمی گردانند." وظیفه مسئولان است که این پیشداوری را درگروگن کنند و ثابت نمایند که می توان بر بزرگ مالکی غلبه کرد.

بعد از شروع جنگ تحمیلی، مشکلات و بخصوص مسئله کمبود مواد مصرفی، افزایش یافته است. در نتیجه فتودالها فرصت یافته است که دست به تبلیغات لجاجت گسیخته ای علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بزند. در ارتباط با مشکلات منطقه، باید از پذیرایی آوارگان جنگ نیز نام برد. در منطقه جیرفت ۶ هزار نفر خوزستانی در اردوی مخومی جای دارند. در این اردو قریب ۸۰ چادر به مدرسه اختصاص داده شده است و ۱۲۰۰ نفر دانش آموز در آنها تحصیل می کنند.

با توجه به تمام این مسائل و مشکلات، مسئولان انقلابی می بایستی با اجرای طرحهای ضربتی در مورد مبارزه با فتودالها و مزدورانشان در منطقه و اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و نیز با برنامهریزی صحیح برای رفع مشکلات متشدد معیشتی مردم منطقه رشد و گسترش انقلاب در این ناحیه را تضمین کنند و اطمینان و ایمان مردم را هرچه بیشتر به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جلب کنند.

در اجرای تمام این برنامه ها می توان و باید به نیروی مردم انقلابی منطقه تکیه کرد. انقلاب باید در این منطقه نفوذ کند و شعرات ارزشمند خود را برای مردم محروم و زحمتکش منطقه ببار آورد.

شهرستان جیرفت با جمعیتی حدود ۲۵۰ هزار نفر و متشکل از چهار بخش (جیرفت، کهنوج، ساردوئیه، جبال بارز) درگیر مشکلات فراوانی است، که عمده آن ها عبارتند از: سلطه فتودالها بر منطقه، بی زمین بودن اکثریت سکنه، کمبود خوراک، پوشاک، بهداشت و سواد در میان اهالی.

سرمايه گذاريها و طرح های عمرانی که در سالهای قبل از انقلاب، توسط مزدوران رژیم شاه ملعون صورت میگرفت بطور عمده در جهت غارت بیشتر و بی دردستر این سرزمین و استثمار وحشیانه مردم جیرفت بود و هیچگونه نفعی برای اهالی محروم در بر نداشت.

پس از انقلاب شکوهمند مردم ایران، در وضع بزرگ مالکی در این سرزمین هنوز تغییر محسوسی بوجود نیامده است. مباحثین خانهای سابق در کنار فتودالهای دیگر همچنان به چپاول مردم مشغولند. خوانین تقریباً همگی مسلح اند و هر کدام چند تفنگچی در خدمت خود دارند. تنها ساختمانسی که از اموال غارتگران مصادره شده، عمارتی است که متعلق به خرم معدوم (شریک غلامرضا پهلوی) و سرمایه های مربوط به آن بود.

خانها و تفنگداران شان از فعالیت سپاه پاسداران انقلاب نیز جلوگیری میکنند و به آنها مختلف در کنار این نهاد انقلابی کارکنی میکنند. حتی چند نفر از پاسداران و نیز رئیس آموزش و پرورش و چند نفر از مسئولین غیرمطلی تاکنون بدست این عمال جنایتکار بزرگ مالکان کشته شده اند.

به دلیل همین نفوذ و بقای جو عدم اعتماد است که یکی از کسبه در مورد

دهستانان خیر آباد اراک سخن می گویند: اگر ما انقلاب کردیم، میدانیم چه جوری حفظش کنیم. وضع ما خوب می شود، ما می دانیم. ولی اگر ضد انقلاب را حسابی خفه کنیم

روستای خیرآباد در سی کیلومتری جاده اراک - قم قرار دارد. جمعیت این روستا حدود ۷۰ خانوار است. اهالی این روستا نیز چون بسیاری دیگر از روستاهای مبنه ماقربانیسی نظام پیشین وابسته به امپریالیسم هستند، اما هنگامی که از انقلاب سخن میگویند، در سخنانشان امید به آینده آینه آبی که پیشکار آن آنهاست افشوج می زند. بی صحبت چند تن از اهالی خیرآباد می نشینیم: محمدرضا، یکی از جوانان خیرآباد میگوید: "ده ما حدود ۷۰ خانوار جمعیت دارد، که برای گذراندن زندگی، چاره ای جز کشاورزی نداریم. اما تمام زمین های

### سازمان حزب توده ایران - شهرستان سندج طی نامه ای مسرت خود را از تشکیل هیئت هفت نفری اعلام کرد

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سندج، طی نامه ای به هیئت هفت نفری واگذاری و احیای اراضی، تشکیل این هیئت در سندج را گامی مهم در راه تعمیق انقلاب شکوهمند ایران دانست. این سازمان ضمن بررسی وضع زمین و کشاورزان در سندج و اطراف آن، آمادگی خود را جهت کمک به این امر و هرگونه همکاری اعلام داشته است. در ابتدای این نامه خطاب به هیئت مذکور، پس از ابراز خوشحالی از تشکیل هیئت آمده است:

"حزب توده ایران سالها برای حل مسئله ارضی در ایران بطور خستگی ناپذیر مبارزه نموده است. اکنون که به برکت انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی، امکانی برای حل مسئله ارضی و اعاده حقوق از دست رفته کشاورزان بی زمین و کم زمین فراهم آمده است، مطالسی را در باره حل مسئله ارضی در کردستان به اطلاع میرسانیم. با شدت به همت و آلائی اعضای آن هیئت محترم، موفقیت های بزرگی برای انقلاب مادری زمین ارضی در کردستان بدست آید. ما در راه تحقق این امر آماده هرگونه همکاری و فداکاری می باشیم."

سازمان حزب توده ایران - شهرستان سندج - در ادامه نامه خود، مشکلات را که بر سر راه هیئت واگذاری زمین در منطقه کردستان وجود دارد، بر شمرده و طریق رفع آنها را ارائه کرده است. در این باره آمده است: "... در وضعیت فعلی هنوز بزرگ مالکی در کردستان باقی است. اکنون وظیفه بسیار سنگینی بر عهده شما هیئت محترم قرار دارد. ما به جزء جزء مشکلاتی که بر سر راهتان قرار دارد، واقفیم. ما میدانیم که در هر قدمی که شما بردارید، نیروهایتان مورد تهدید ضد انقلابیون است. ما میدانیم روستاهای کردستان در مجموع امن نیستند. ما میدانیم که سازکاران لیبرال از بالا بر شما فشار می آورند، تا در مورد اجرای طرح واگذاری زمین تن به عقب نشینی دهید. ما میدانیم که مالکین در روستاها به توطئه مشغول هستند و با گرد آوردن قاصیل ها بدور خود و تهدید و تظمیع مردم، وانمود میکنند که یک کشاورز عادی هستند. ما میدانیم که جوانان منطقه کردستان، که میبایست کمک، شما و همراه شما باشند، اکنون تعدادی از آنان فریب گروههای ضد انقلابی کومله و قاسملورا خورده اند...."

با اینهمه رفقای ما به واجب ترا ز خیرآباد با دهم هست. در ضمن خیلی از خوش نشین های ده ما حب زمین شدند. اینها قبلا یا برای کارگری به اراک می رفتند یا با همان نان بخور و نمیری ما خفتند. مشهدی حسین، یکی دیگر از اهالی خیرآباد، از انقلاب سخن میگوید: "اقا، انقلاب ما را نجات داد. وضع ما خوب میشود، ما میدانیم، ولی اگر ضد انقلاب را حسابی خفه کنیم، اونها اول از داخل شروع کردند، ما پیروز نشدند. بعد از خرابی شروع کردند، ولی هیچ غلطی نمی توانستند بکنند. با اینهمه رفقای ما به

دنبال ابراز امیدواری نسبت به فعالیت پرتر هیئت آ مادگی خود را برای همه گونه همکاری اعلام میدارند. سازمان حزب توده ایران در سندج، در نامه خود، پیوندنا گسستی بین حل کامل مسئله ارضی در کردستان و حل مسئله ملی را خاطر نشان می سازد و می نویسد:

"تا زمانی که خواست های بحق مردم کردستان در زمینه مسئله ملی برآورده نشده است، ضد انقلاب وسیله مناسبی برای تبلیغات در دست دارد و با عمده کردن این مسئله اذهسان روستائیان را بخود مشغول می کند، حضور مسلح خود را در روستاها توجیه می کند و وقتی روستاها ناامند، امکان اجرای طرح واگذاری زمین از بین میرود. در این نامه پس اضافه میشود:

"لذا ما برای عقیده ای که با اجرای مفاد پیمان تاریخی امام خمینی در ۲۶ تان ماه ۵۸ رفع ستم ملی از مردم کردستان و بحساب آوردن آنان در اداره امور خود گروههای مسلح راطح سلاح سیاسی نموده و به دنبال آن زمینه برای طرح واگذاری زمین و ریشه کن کردن بزرگ مالکی فراهم می گردد. اما در همین شرایط فعلی هم هرگونه اقدام به نفع کشاورزان در نقاطی که در اختیار نیروهای انقلاب است، باعث وارد آوردن ضربه بر ضد انقلاب و جذب مردم بسوی انقلاب میگردد.

منتهی در اجرای طرح واگذاری و احیای زمین باید به دو نکته اساسی توجه فرمائید که قطعاً خود توجه دارید: نکته اول اینکه این روزها بر اثر تبلیغات عوامل فتودالها و سرمایه داران سعی میشود طرح بنا مند و از اجرای آن جلوگیری کنند. خوشبختانه تا کیدات مکرر ما و آیات عظام منتظری، بهشتی و مشکینی، اجراء طرح مورد تأیید و تمویب واقع شده و نقشه های طرفداران ابقسای بزرگ مالکی خنثی گردید. این مسئله که بند "ج" از طرح مذکور از طرف دولت جمهوری اسلامی به علت شرایط جنگی مسکوت گذاشته شده، باعث میشود که فتودالها تبلیغاتی به راه اندازند و اینطور وانمود کنند که اصلاح طرح متوقف شده است. در این مورد باید به اطلاعستان برسایم که اکثر مالکین منطقه کردستان غاصب هستند و مشغول بند "ب" میشوند و میباید گوش به تبلیغات آنها بدهید، چون منطقه کردستان منطقه بسیار حساسی است و ضد انقلاب روی باقی ماندن بزرگ مالکی و اینکه دولت در این زمینه

اگر ما انقلاب کردیم، میدانیم چه جوری حفظش کنیم. نظر مشهدی حسین را در مورد تجا و رژیم صدام به خاک جمهوری اسلامی ایران جویامی شویم. میگوید: "هر کسی که علیه انقلاب توطئه میکند، دشمن به آمریکا بسته، حلاله کس که میخواهد با شد. اصلاحات ما چما قدارها است. ما پدر چما قدارها را در آوردیم، با چما قدارهای آمریکا هم همین کار را میکنیم." جوانان خیرآباد از فعالیت و احبسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اراک اظهار رضایت

اقدامی نمی کند، خیلی تبلیغ کرده و میکنند و تنها راه به شکست کشاندن طرح های ضد انقلاب اقدامات قاطع در زمینه مسئله ارضی است. نکته دوم اینکه هرگونه تغییر روی زمین خرده مالکان، باعث ناراضی آنان شده و آنها را بسوی فتودالها سوق میدهد. امیدواریم در ایستی که اعضاء آن هیئت دارند، به این نکته هم توجه فرمایند و کاری به زمین خرده مالک نداشتند.

مطلب دیگر اینکه قطعه کردن زمین یک بزرگ مالک ممکن است فعلا مورد استقبال دهقانان بی زمین و کم زمین واقع شود، اما ایندنا ی ندارد و در آینده با توجه به مسئله توارث و با زهم خوردن قطعات زمین بعد از فوت هر مالک، معمولی بیار نخواهد آورد. لذا تا حد امکان ایجاد تعاونی و واگذاری زمین به صورت مشاع به هر دهه یا بیست خانوار بی زمین یا کم زمین اقدام موثرتر بوده و آینده روشن تری دارد.

تقسیم زمین تنها بین خوش نشین ها و دهقانان بی زمین هم بعقیده ما موجب نارضایی دهقانان کم زمین می شود. بجاست که سهم دهقانان کم زمین هم در نظر گرفته شود. پشتیبانی مالی دولت از تقسیم زمین تنها بین خوش نشین ها و دهقانان بی زمین هم بعقیده ما موجب نارضایی دهقانان کم زمین می شود. بجاست که سهم دهقانان کم زمین هم در نظر گرفته شود. پشتیبانی مالی دولت از تقسیم زمین تنها بین خوش نشین ها و دهقانان بی زمین هم بعقیده ما موجب نارضایی دهقانان کم زمین می شود.

سازمان حزب توده ایران در سندج آنگاه اطلاعات مشخص خود را در مورد روستاهای منطقه کردستان شرح داده و خطاب به هیئت واگذاری زمین، در پایان نامه خود چنین نتیجه گرفته است: "با نگاهی به اطلاعات فوق میتوان به روشنی دریافت که در مناطقی که در آنها ضد انقلاب مسلح وجود ندارد، ارگانهای انقلابی توانسته اند اقدامات با ارزشی در زمینه مسئله ارضی انجام دهند. در اینجا با دید توجه فرمائید که زمینه رشد موجودیت ضد انقلاب در مناطقی که در اختیار انسان است، همین حل نشدن مسئله ملی است، که بعقیده ما پس از حل آن، مسئله ارضی نیز بطور کامل حل خواهد شد. لذا با حل مسأله امیز مستحکم کردستان با تکیه بر پیمان تاریخی ۲۶ تان ماه ۵۸ امام خمینی، و خلع سلاح ضد انقلاب از نظر سیاسی، زمینه برای ریشه کن کردن بزرگ مالکی و حل مسائل دهقانان فراهم میشود."

می کنند. یکی از آنها میگوید: "دیگر تعلیمات نظامی ما دارد تمام میشود. این هفته که مسئولان بسیج بیاید خیرآباد گارت بسیج میگیریم. خیلی از بچه ها توی بسیج اسم نوشتند. چقدر خوب است بسیج به همه روستاها برود." خلاصه سخن زحمتکشان این روستا چنین است: "ما از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل دسایس امپریالیسم آمریکا تا پای جان دفاع می کنیم."

# چماقداران هنوز بر انقلاب می تازند...

چماقداران همچنان یکه تازند، چماق کشان، بدون هراس و تردید، به دفاقر احزاب و سازمان های سیاسی حمله می کنند، روز روشن بساط کتابفروشیها را درهم می ریزند، شبانه به کتاب فروشیها می ریزند و آنها را آتش می زنند، وقتی هم که ماموران آتش را خاموش می کنند، باز هم برمی گردند و با مواد منفجره قوی تر، دوباره کتاب سوزان راه می اندازند. چماقداران خیلی بی پروا به تظاهرات حمله می کنند، به مساجد می ریزند و ... این اوج حملات چماق داری است، اما اصلا تازه نیست. روز بیست و دوم بهمن وارد دومین سال یکه تازی چماقداران می شویم. بله، درست است، چماقداران پانزده عمر انقلاب دوام آورده اند! البته اینها چماقداران بعد از پیروزی انقلابند، ولی حتما بیشترشان همان چماقداران قبل از انقلابند: یک روز برای دفاع از شاه ملون قمه می کشیدند و با چماق به مردم حمله میکردند. امروز برای برگرداندن رژیمی مثل رژیم شاه، یا کمی ولایتی از آن - میانبر - مچری بخشی از نقشه های امپریالیسم آمریکا هستند. فقط پس از انقلاب، عناصر نا آگاه و فریب خورده ای هم در بین چماقداران حرفه ای بر خورده اند.

اولین چماقداران روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ - دو روز بعد از پیروزی انقلاب - در خیابان انقلاب به زنان حمله کردند. آنها که خود را مسلمانان متعصبی معرفی می کردند، شعار می دادند: «پسا روسری، یا توسی!» و توانستند بهانه ساز اولین تظاهرات علیه جمهوری اسلامی ایران بشوند. وقتی اولین حمله چماقداران با بی اعتنائی «قانون» روبرو شد، وقتی، در کمال تاسف، برخی از مقامات مسئول درباره عمل وحشیانه و تحریک آمیز، گفتند: «مردم با زنان بی حجاب مخالفتند، ضد انقلاب، گستاخ تر شد، طولی نکشید که در سراسر کشور موج چماقداران زیر نقاب «اسلام» برای افتاد. چماقداران ادعا کردند که فقط با «حزب الله» موافقت و چنین ادعا کردند که «حزب الله» یعنی «احزاب اسلامی» و بقیه احزاب باید نابود شوند و زودتر از همه حزب توده ایران، بعد حمله سراسری به دفاقر حزب توده ایران و نامه «مردم» و فروشندگان آن آغاز شد. چماقداران کوییدند و آتش زدند. حزب توده ایران در دام این توطئه نیفتاد. آن را شناخت و افشا کرد: چماقداران عاملان ضد انقلابند، چه آگاهانه و چه نا آگاهانه. آنها انقلاب را نشانه گرفته اند و حمله را از حزب توده ایران آغاز کرده اند. اما متأسفانه به این هشدار توجه نشد. ضد انقلاب به فعالیت ادامه داد. ابتدا نسوبت احزاب و نیروهای مترقی نیرو سوسیالیسم علمی بود. نخست سراغ حزب توده ایران آمدند. عین همین ماجرا در مورد فدائیان خلق (اکثریت) تکرار شد. بعد ضد انقلاب سروقت نیروهای مسلمان رفت. چماقداران به اسم «مجاهد» به پاسدار حمله کردند و به اسپاسدار به «مجاهد» جنگ مغلوبه شد. اگر انقلابیون با تجربه بدام نیافتادند، متأسفانه جوانان صادق انقلابی بدام افتاده بودند.

حملات چماقداران تنها به افراد و دفاقر نبود،

کتابفروشیها هم با موج های بی در پی حمله ضد انقلابیون روبرو بودند. البته مطابق نقشه، اول به کتابفروشیهایی که کتابها و نشریات غیر - مذهبی می فروختند، حمله میشد. در تمام این مدت، که نزدیک به یک سال و چندماه طول کشید، متأسفانه بیشتر نیروهای مسلمان طرفدار انقلاب، یا با بی تفاوتی با این مسئله روبرو شدند و یا حتی به گوشه و کنایه و گاه آشکارا آنها را حمایت کردند. حزب توده ایران

**چماقداران ابتدا به نام «اسلام» به بیرون سوسیالیسم علمی حمله می کردند و حالا به نام «کمونیسم» به احزاب اسلامی یورش می برند.**

بکرات گفت که حملات چماقداران از نیروهای مترقی چپ شروع شده، اما همین جا متوقف نخواهد شد، هدف چماقداران انقلاب است. اما بودند کسانی و روزنامه هایی که با پندار «مردم» علیه «چپ ها» وارد عمل شدند و چماقداران را مستقیم و غیر مستقیم تأیید کردند. متأسفانه برخی از مقامات هم در عمل بر این حملات صحنه می گذاشتند. پرده اول چماق داری، که در خلاصه ترین شکل، آن را بیان کردیم، صدها زخمی و کشته بجای گذاشت، خرابی مفصلی را سبب شد و مهمتر از همه، توانست سبب نفاق و درگیری در بخشی از نیروها و تشنج و درگیری در بسیاری از نقاط شود.

پرده دوم یا حمله به بخش دیگری از نیروهای مسلمان آغاز شد. ابتدا به «جاما» حمله کردند. بعد به «جیش مسلمانان مبارز» حمله بردند، که خوشبختانه در هردو مورد، این حمله عقیم ماند. سپس دو اوج تبلیغات لیبرالها علیه «خط امام»، به «میزان» و «کانون ابلاغ شریعتی» حمله کردند. دیگر معلوم شد که چماقداران «مردم» نیستند و هدف آنها فقط مبارزه با «چپ» نیست، بلکه زیر نام های مختلف و با بانه های گوناگون میخواهند نیروهای اصیل انقلابی را بکوبند، بین آنها تفرقه ایجاد کنند، تشنج و درگیری ایجاد نمایند و بدینسان چپه انقلاب را تضعیف کنند. عده ای هم - هم بین چماقداران وهم بین کسانی که مورد حمله قرار میگیرند - نا آگاهانه در این دام می افتند.

خوشبختانه مقامات مسئول این بار توجه جدی تری به چماقداران کردند. اما چه تهران گفت: «گاهی ۱۰ نفر، ۱۵ نفر، در فلان خیابان، در فلان شهر، در فلان شهر کوچک یا بزرگ راه می افتند، با عناوین مختلف به مراکز، به کتابفروشیهایی حمله می کنند. بدانید که این کار خطا و خلاف است... اینگونه حادثه ها بسرای جمهوری اسلامی زشت و سنگین است.»

(۲۱ شهریور ۱۳۵۹)  
از این پس چماق داری اندکی کاهش پیدا کرد، اما متوقف نشد. از روز ۲۰ آبان ۵۹، بعد از آغاز جنجالی

که بدنبال دستگیری صادق قطب زاده پیش آمد، موج تازه ای از چماق داری برآه افتاد. چماقداران پرده سوم، که از سخنرانی احمد سلامتیان در مشهد فعالیت خود را آغاز کردند، روش تازه ای پیش گرفتند. در سخنرانی های دو جناح دو دسته شدند. گروهی به سود این جناح و دسته ای بنفع آن جناح شعار دادند. بعد هم با چماق بچان هم افتادند. در اصفهان اتومبیل یک سخنران را درهم شکستند. بعد هم، «دست آخر، یک مشت چماق دار به دختر حزب جمهوری اسلامی حمله کرده و به تخریب آن می پردازند. آیا مردم حق ندارند از خود بپرسند، مگر در دفتر حزب جمهوری اسلامی جز کتاب و قلم و بیانیه و دفتر و کاغذ چه چیز وجود داشته که باید نابود شوند؟

نظیر این حوادث در چند شهر دیگر نیز صورت گرفت و عده ای چماق دار دفاقر حزب را تخریب کرده اند.

(روزنامه جمهوری اسلامی - ۷ بهمن ۱۳۵۹)  
و صد البته که چماقداران، وقتی به دفاقر حزب توده ایران هم حمله کردند، در آنجا هم چیزی غیر از کتاب و قلم و بیانیه و دفتر و کاغذ نبود. و این یک طرف حملات چماقداران است. از طرف دیگر، روزنامه «انقلاب اسلامی» هم از حملات چماق داری می گوید و می نویسد که: «یک گروه چماق دار به مردمی که برای استماع سخنان رئیس جمهور جمع شده بودند، با چوب و کفش حمله می کنند.»

(۱۱ بهمن ۵۹)  
و خیرها ادامه دارد: «چماقداران به مسجد میرزا داوود درمهدان حمله کردند.» (انقلاب اسلامی - ۱۱ بهمن ۵۹)

د: «ضد انقلابیونی که خود را زیر نقاب اسلام پنهان کرده بودند و مسلح بودند، در سه راه مطهری و خیابان شهدای خرم آباد، شروع به تیراندازی هوایی کردند و سپس به دادن شعار «امروز هشدار، فردا کشتار» پرداختند.» (اعلامیه سازمان حزب توده ایران در خرم آباد - نامه مردم ۱۳ بهمن ۵۹)  
این اخبار، که مشتی از خروار است، نشان می دهد که چماقداران در «پرده سوم» سناریوی تنظیم شده از جانب «سیا - سارا»، حسابی «پرده ها» را دریده اند. آنها به همه کس و همه جا حمله میکنند. به اسم «اسلام» به نیروهای بیرو سوسیالیسم علمی حمله می کنند و به نام «کمونیست» به نیروهای اسلامی یورش میبرند. هر جا اختلاف هست، چماقداران بین دو جناح ظاهر می شوند، بهر دوسو حمله می کنند، تا با «منطق چماق» کارها را فیصله دهند. هر جا اختلافی نیست، باز هم «منطق چماق» بکار می افتد، تا اختلاف ایجاد کند. چماقداران، در «پرده سوم» سناریوی ضد انقلابی چماق داری هم، همان مقاصد دو پرده قبل را اجرا می کنند:

- ۱- ایجاد ناامنی و هرج و مرج،
- ۲- آزمایش بردن امنیت،
- ۳- ایجاد تشنج و درگیری و نفاق میان

نیروهای مختلف اجتماعی،  
۴- ترساندن مردم،  
و آنوقت، وقتی که کم و بیش موفق به انجام این کارها شدند، از جو ایجاد شده استفاده می کنند و توسط ساواکی ها، لیبرالها، مائوئیستهای آمریکائی، بختیاری ها و ... به تبلیغ می پردازند که:

- ۱- دولت قادر به حفظ امنیت کشور نیست،
- ۲- مردم از انقلاب برگشته اند،
- ۳- امنیت نیست و چان و مال همه در خطر است،
- ۴- آزادی نیست و ...

هدف نهائی از این تبلیغات، آماده کردن زمینه از طریق تضعیف رهبری انقلاب و دولت و جدا کردن مردم از آنها، برای زدن ضربه نهائی به جمهوری اسلامی ایران است. چه باید کرد؟

این سناریوی همه جانبه، که یکی از حلقه های نقشه امپریالیسم آمریکاست، با شدت بی سابقه ای دنبال می شود. همه علاقمندان انقلاب شکوهمند ایران می پرسند: یا این وضع خطرناک چه باید کرد؟

پاسخ ما، که بارها و بارها آن را تکرار کرده ایم، روشن است: اجرای قانون! به نظر ما

**باید هر چه زودتر با اجرای قانون، چماقداران را سرکوب و بخشی از توطئه جدید امپریالیسم آمریکا را خنثی کرد.**

مقامات مسئول و ارگانهای انقلابی باید قانون اساسی را با قاطعیت تمام اجرا کنند. قانون باید با ایجاد امنیت قضائی، زمینه فعالیت احزاب، سازمانها و گروههایی را که در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران فعالیت می کنند، فراهم بیاورد.

بهین ترتیب باید با چماقداران، در هر لباس که باشند، مقابله جدی شود. اکنون مدت است که نیروهای انقلابی، از جمله حزب توده ایران، اسنادی درباره چماقداران، که آنها را ساواکی ها و مائوئیستها و گروه ناچیزی از افراد متعصب نا آگاه تشکیل میدهند، به مقامات مسئول تسلیم کرده اند.

بر اساس این اسناد و اطلاعاتی که مقامات مسئول دارند، باید بیدرتک چماقداران تحت تعقیب قرار بگیرند. باید در چهارچوب قانون چماق کشان شناسائی و مجازات شوند. چماقداران و مراکز آنرا که از آنها هدایت و حمایت می شوند، باید به افکار عمومی معرفی گردند. باین ترتیب، یعنی

با اجرای قانون، بدون هیچگونه استثناء است که می توان توطئه چماق داری را - بعنوان بخشی از توطئه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی - خنثی کرد.



بند از شاه نوبت امریکاست!

مرگ بر شاه!

امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بار دیگر در کشور ما بر خرمیراد سوار شود، زیرا منافع آنان با منافع امپریالیسم در تضاد نیست، اما با تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما در تضاد عمیق است.  
- لیبرالها که ترسو تر از آنند که آشکارا اعتراف کنند هوادار همکاری با امپریالیسم، و طرفدار برجایی نظام سرمایه داری هستند، درد واقعی خود را پنهان می کنند و نعل وارونه می زنند که گویا دلشان به خاطر «انقلاب و اسلام خون است» و چه رباکار و عوام فریب و گستاخ اند که پای امام خمینی را هم به میان می کشند.  
برای درهم شکستن انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی ما و حرکت آن در بستر سازش و تسلیم و همکاری با امپریالیسم، لیبرالها از تاکتیک مسخ انقلاب استفاده می کنند تا برسد آن زمانی که امپریالیسم قادر به سرکوب انقلاب ما شود و دولت «میانبر» و «معتدل» باب طبع خود را، که جز لیبرالها نیستند، بر سر کار آورد. اما این تاکتیک لیبرالها، تا این مردم رزمنده بر صحنه نمانند، پیروزی نخواهد داشت

# پرتوی روانی انقلاب را برضد انقلاب، تحکیم و تقویت کنیم!

بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی، ضدانقلاب داخلی، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی یسابقه-ترین کارزار تبلیغاتی را علیه انقلاب برپا انداخته‌اند و با تمام قوا می‌کوشند، تا با پخش شایعات و نشر اکاذیب، بویژه علیه رهبر انقلاب، مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و نیز علی‌نهد دولت و مجلس شورای اسلامی، در میان طبقات جامعه، نسبت به انقلاب بدبینی و سرانجام خصومت بیافرینند، انقلاب را تضعیف کنند و زمینه را برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران و یا مسخ و استحاله آن، فراهم سازند.

ضدانقلاب پنهان‌گفته دروغ زدیلانه‌ای توسل میجوید، تا به اعتماد مردم نسبت به انقلاب، خدشه وارد سازد. لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی دشواری‌های جنگ تجاوزکارانه را، که مولود توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جنایات تجاوزگران صدامی است، ناشی از «بی-تدبیری» مسلمانان انقلابی و نامود میسازند، حال آنکه نیروهای سازشکار خود در ایجاد عدم آمادگی نیروهای دفاعی، که از عوامل مهم تحریک صدام حسین به تجاوز بود، نقش درجه اول داشتند. آنها دشواریهای ملموسی را که در زندگی معیشتی مردم پدید آمده و ضدانقلاب و عوامل مودر حمایت لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی و محترمان و تجار بزرگ در آن نقش اصلی را دارند، بپای انقلابیون مسلمان پیرو خط امام می‌نویسند و از «بی-کفایتی» دولت دم میزنند، حال آنکه مقصد اصلی، یعنی شیطان بزرگ و متحدان و وابستگان داخلی آنها از زیر ضربه خارج می‌سازند.

گذشته از این، ضدانقلاب و لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی با رخنه موثر در همه ارگانها، جهت‌گیری خلتی آنها را خدشه دار و منحرف میسازند، باعث اتخاذ تصمیماتی علیه منافع خلق و سود مستکبران میگردند و آنگاه نعل وارونه میزنند و این نارسائیه و کژیها را بپای جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب می-نویسند، و همانگونه که امام خمینی نیز بدرستی تصریح کرده‌اند:

«تمام آشفتگی‌هایی که بدست ضدانقلابیون و منحرفین انجام می‌گیرد، به گردن جمهوری اسلامی میگذارد» (از سخنرانی ۱۷ بهمن ۵۹)

همچنین قشری گریبان‌انحصار-طلبی‌های برخی از نیروهای صدید، ولی ناآگاه مسلمان، که اینجا و آنجا در ارگانها رسوخ دارند، بهانه دیگری هستند که به ضدانقلاب و لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی امکان میدهند تا چهره رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را دگرگونه جلوه دهند و مردم را علیه آنها تحریک کنند. این کجرویهای مسئولین قشری و انحصارطلب، از نکاتی است که جاسوسان آمریکایی بدانها اهمیت بسیار داده‌اند، زیرا به آنها در تحریک مردم و فریب آنها

## در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

# ما با آمریکا پنجه در پنجه انداخته‌ایم و فرانسه، هم پیمان آمریکاست

رئیس مجلس: فرانسه پناه صدام‌ها، اویسی‌ها، ازهارهای، بختیارها و فراریهای سابق است.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، درباره ارسال اسلحه فرانسه به عراق گفت:

«ما با آمریکا باصراحت پنجه در پنجه انداخته‌ایم و با امپریالیسم به نبرد برخاسته‌ایم. یکی از عوامل تصمیم دولت فرانسه این است که نمی‌تواند بیند یک ملت کوچک ابهت و هیمنه پدربزرگ این آقایان را بشکند. دولت فرانسه احساس کرده در ایران دیگر جانی برای مطالعه استعماری نیست».

در ابتدای جلسه دیروز، نامه اعتراضیه عده‌ای از نمایندگان در مورد تحویل میراث‌های فرانسه به رژیم تجاوزکار صدام خطاب به پارلمان فرانسه خوانده شد. در این نامه، ضمن اشاره به سیاست امپریالیستی دولت فرانسه، گفته شده است:

«مردم ما از شما نمایندگان ملت فرانسه سوال میکنند: آیا تجربه الجزایر و سقوط سیاست امپریالیستی فرانسه کافی نبود که به دولت‌مردان شما پیاموزد، دوران زورگویی و سلطه‌طلبی به سر آمده‌است؟» پس از خواندن نامه، محمدمحمدی، نماینده گران، با اشاره به آن گفت:

«ما از دولت فرانسه غیر از ایسن انتظار نداریم. او هم پیمان آمریکاست. ما موضوع گریه‌های دولت فرانسه را در ویتنام، کامبوج و الجزایر دیده‌ایم و امروز در چاد می‌بینیم».

وی افزود: «آیسرو و حیثیت دولت فرانسه را این دولت در این مدت چند ده سال برده‌است».

وی پیشنهاد کرد که نامه از طرف مجلس نباشد.

سپس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، ضمن تاکید بر اینکه این نامه تنها از سوی عده‌ای از نمایندگان است، در این مورد خطاب به رئیس پارلمان فرانسه گفت:

«این اقدام دولت فرانسه به هیچ وجه برای ایند پند و ضدانقلاب را در عرصه جنگ روانی نیز شکست دهد و مضمحل سازد. انقلاب برای پیشروی خود به این پیروزی نیاز مبرم دارد».

اگر انقلاب، در همه عرصه‌ها و موارد، کارزار تبلیغاتی ضد انقلاب را عقیم گذارد و مشت آنها بکشاید، بی‌شک نیروهای متزلزل و یا بی تفاوت راجلب خواهد کرد و یا بیطرف نگاه خواهد داشت و ضدانقلاب، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی را منفرد خواهد کرد.

این درست است که توده‌های میلیونی مردم در اکثریت عظیم خود پشتیبان وفادار خط امام خمینی هستند و خواهند بود. این درست است که تجارب دو سال گذشته آگاهی خلق را به میزان زیادی بالا برده و در تعمیق شناخت وی نسبت به دشمنان واقعیش بسیار موثر بوده است. اما نباید تصور کرد که کار پایان یافته است. باید در مقابل شبکه وسیع ضدانقلاب، نیروی انقلاب را سازمان داد و ترفند برای توده‌های مردم افشا کرد و وی را رسوا ساخت. خلق تنها از این طریق، یعنی از طریق آگاهی

مردم آزاده دنیا قابل توجه نیست. فرانسه در همین موقعی که ناوچه‌های توپدار ما را، که مدت‌ها قبل پولتی را گرفته، توقیف کرده، میراث‌ها و بسیاری از امکانات جنگی دیگر را برای عراق فرستاده است. تحلیل مردم آزاده دنیا از این موضع فرانسه چه می‌تواند باشد؟ ما چه کردیم و عراق چه کرده که این موضع فرانسه را بتواند توجیه کند؟ ما یکی از کارهای اساسی‌مان این بوده که با آمریکا باصراحت پنجه در پنجه انداخته‌ایم و با امپریالیسم به نبرد برخاسته‌ایم. بی‌شک یکی از عوامل تصمیم فرانسه این است که نمی‌تواند بیند یک ملت کوچک، ابهت و هیمنه پدربزرگ این آقایان را بشکند. مطلب دیگر اینکه دولت فرانسه احساس کرده در ایران دیگر جانی برای مطالعه استعماری نیست و آنها بحق فیهمه‌اند که دیگر ایران بساج به دولتهایی که قصد غارت اموال ملت را دارند، نمی‌دهد، و ایران جای چنین غارتی نیست. از آن قراردادهای پرسود، از آن فروشهای ارزان نفت و از آن سفره‌رنگینی که رژیم پهلوی برای امثال دولت فرانسه باز کرده بود، دیگر پیش نمی‌آید».

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود: «نقطه مقابل این که، باز عامل دیگری در تصمیم‌گیری فرانسه می‌تواند باشد، اینست که فرانسه در عراق طرق زیادی باز کرده برای استعمار مردم عراق. ما میدانیم چه قراردادهای تنگینی بین فرانسه و عراق برقرار شده، که آنجا دولت فرانسه است. ما به چه قیمت به نفت را به چه قیمت بگیرد و قراردادهای باصطلاح عمرانی و خدماتی در آنجا وجود دارد. فرانسه به مردم عراق به چشم یک طعمه نگاه می‌کند که دیگر به ایران نمی‌تواند نگاه کند. ما امیدواریم که مردم عراق هم مثل مردم ایران چشم این طمعکاران را کور کنند و دست آنها را قطع کنند. اگر امروز صدام باج می‌دهد، فردا ملت عراق باج نخواهد داد. ما این را می‌دانیم. اگر

## درباره گز آرشهای...

بقیه از صفحه ۱  
«بی.بی.سی.» و بدنبال آنها برخی از دیگر رسانه‌های گروهی غرب مصراغه این شایعه را پخش میکنند، که گویا عراق اسلحه ساخت شوروی از اروپای خاوری دریافت می‌دارد. در ضمن مرتب تکرار میشود، که گویا تجهیزات جنگی از راه عربستان سعودی حمل میگردد. یادآور میشویم که مبلغان امپریالیستی

باید یک حیل دشمن مکار، ماهیت وی را خواهد شناخت و با نیرو و توان بیشتری به حمایت از انقلاب روی خواهد آورد، باید به مردم ماهیت لیبرالهایی را که امروز از «سازش دولت» دم می-زنند، نشان داد و نقش سازشکارانه آنها را، که با دستکاری شیطان بزرگ، گرفتاریهای بزرگی برای مردم ما و انقلاب ما فراهم آوردند و اکنون نیز خرابکاری می‌کنند، افشا کرد. باید نقش مخرب گروهکهای مائوئیستی-آمریکایی را، که ستون پنجم دشمن هستند، افشا کرد. باید به مردم عامل اصلی دشواریهای زندگی را، که ضدانقلاب و مائوئیستهای آمریکایی و لیبرالها بر کردن رهبری انقلاب و مسلمانان انقلابی و پیرو خط امام می‌گذارند، نشان داد و مشت سالوس و ریای آنها را در پیشگاه خلق گشود.

دولت فرانسه هیچگونه واقعا آزادیخواه است، مگر در عراق آزادی هست؟ مگر حزب بعث عراق رژیم قابل قبولی است؟ مگر معیارهای حکومت انسانی صد یکتس در عراق وجود دارد؟

فرانسه، این اولین کارش نیست. اویسی، ازهارهای، بختیار و اشرف پهلوی و همه فراریانی را که هزاربار باید به انتقام خون شهدای ما اعدام شوند، در زیر چتر حمایت فرانسه، در آنجا دارند جنایت می‌کنند و زندگی میکنند و ماتوقی نداریم. فقط به رئیس محترم مجلس شورای فرانسه این پیام را از تریبون مجلس ما می‌دهیم که به مردم فرانسه بگویند، مردم دنیا دیگر گول نمی‌خورند و این موضعی که شما گرفته‌اید، قابل توجه نیست دیگر فرانسه بعنوان یک مرکز آزادی و آزادیخواهان در دنیا پذیرفته نمی‌شود. فرانسه پناه صدامها، اویسی‌ها، ازهارهای و بختیارها و فراریهای سابق است».

سخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی با تکبیر و تایید یکپارچه نمایندگان مواجه شد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و گزارش کمیسیون امور اقتصادی و دارایی در مورد لایحه «وصول هزینه‌های حمل و نقل کالاهایی که به ترتیب ترانزیت اداری حمل می‌شود»، در شور دوم مورد بررسی و تصویب قرار گرفت.

پس از آن «لایحه راجع به اضافه شدن ۶ ماه به موعد تسلیم تراژنامه و حساب‌سود و زبان شرکتیای تحت نظر بنیاد مستضعفان نیز در شور دوم بررسی و تصویب شد».

در پایان، آیت‌الله مهدوی کنی، وزیر کشور، به سوال یکی از نمایندگان درباره علت عدم انتخابات در اصفهان پاسخ گفت. وی خاطر نشان ساخت که قرار است در تمام مناطقی که شرایط جنگی وجود ندارد (از جمله در تهران و تبریز و اصفهان) انتخابات مجلس شورای اسلامی انجام گیرد. جلسه بعدی مجلس شورای اسلامی یکشنبه آینده تشکیل خواهد شد.

در نخستین روزهای درگیری میان ایران و عراق مدعی بودند که گویا جنگ‌افزارهای شوروی از راه بندر عقبه اردن به عراق رسانده میشود. چندی نگذشت که بطالن این ادعای ناهنجار ثابت شد و مبلغان رسوا گردیدند. اگر اکنون بهضیفا تلاش نمی‌کردند، از راه پخش یاوه‌های ناهنجار ضد شوروی به هدفهای کاملاً مشخص و موزیانه دست یابند، اینبار هم زومی نداشت، به این باطل و ساخته‌های ذهنی تبلیغات امپریالیستی پرداخت».

## تعداد زیادی...

۴- در اتر درگیری روز گذشته پرسنل ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران با افراد مسلح غیرقانونی در منطقه سندج، سه نفر از دلاران ژاندارمری شهید و ۲ نفر مجروح شدند.

۵- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن مزدور را در منطقه هرگنه زیر آتش توپخانه قرار دادند، که در نتیجه ۱۳ تن از مزدوران عراقی به هلاکت رسیدند و ۲۷ نفر نیز مجروح شدند».

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

# ضمیمه نامه مردم برای جوانان توده شماره ۵ بهمن ۱۳۵۹ منتشر شد

## کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

چشمید از تویسرکان ۱۲۵۰ ریال  
 مجید از تویسرکان ۱۲۵۰ ریال  
 سازمان حزب در شهر کرد ۱۴۰۰۰ ریال  
 سازمان حزب در شیراز ۱۰۰۰۰۰ ریال  
 مرشد از بندر انزلی ۵۰۰۰ ریال  
 رفیق از شهرری یک نیم سکه طلا  
 جمع آوری شده در عروسی گیتی ۱۷۰۰۰ ریال  
 کاظم ر ۱۰۰۰ ریال  
 بابک از شهرری ۵۰۰ ریال  
 هلن ۲۰۰۰۰ ریال  
 ج. ش کارگر بازار ۲۰۰۰ ریال  
 خانم آ. م ۲۰۰۰ ریال  
 خانم ز ۶۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش وبه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی پیرازند.

**نامه مردم**  
 ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
 و مدیر مسئول:  
 منوچهر بیزادی  
 خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
 (دفتر نامه مردم)  
 هتوز در اختیار  
 نامه مردم نیست

**NAMEH MARDOM**  
 No. 440  
 9 February 1981

Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی  
 ۱/۳۵۵۹، منطقه  
 ۱۴ پستی تهران

بدببال اوامر امام خمینی مبنی بر رسیدگی به وضع بازماندگان معدومین کودتای نافرجام ۱۸ تیر، وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران سرهنگ فکوری پیشنهاداتی درباره تأمین زندگی این خانوادهها خدمت امام خمینی تقدیم نموده، که امام خمینی با آن موافقت کرده اند.

بنا بر این پیشنهادها، قرار است به هر خانواده با یک فرزند، ماهانه ۳۰ هزار ریال، و برای هر فرزند اضافی ماهانه ۵ هزار ریال از طرف وزارت دفاع پرداخت شود. علاوه بر این، چون این خانوادهها قبلاً درخانههای سازمانی سکونت داشتهاند و اکنون ادامه این وضع مغایر با اصول امنیتی است، وامی جهت خرید خانه به خانوادهها پرداخت و برای بازپرداخت وام، ماهانه مبلغ کمی از مستعری آنان کسر گردد.

این تصمیم درست، که از روح پر کرامت و سنجیده مردم دوستی امام خمینی ناشی است، مورد تأیید و تحسین همگان است، زیرا هر چند سرپرست این خانوادهها توطئه گر، خائن به میهن، خائن به نظام جمهوری اسلامی ایران و دستیار و همکار امپریالیسم جهانیست، ولی همسران و کودکان و کودکان آنان، در این ماجرای تلخ و در مسیر حرکت آنان به سوی خیانت، گناهی نداشته اند. حق اینست که جمهوری اسلامی ایران رفاه آنان را فراهم سازد و با تمهید به سرپرستی آنان، مانع از آن شود که زنان در راه شوهران، و فرزندان در راه پدران کام بگذارند.

این تصمیم منطقی و بیجا درباره خانوادههای معدومین کودتاچی، خود بخود اجرای دیگری را در خطررها زنده میکند: سال ۱۳۳۳، در آستانه عقد قرارداد خائنانه با کسرسیوم، بدستور شاه ملعون و زیر نظر تیموربختیار معدوم و حسین آزموده فراری، نزدیک به ۵۰۰ افسر و درجه دار، به «کنه» عضویت در حزب توده ایران بازداشت شدند و بدست امجدی، زیبایی، سیاحتگر، زمانی، مولوی و شکنجبه گران ددمنش دیگری از این قبیل، زیر شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند. اینان گل های سرسبزه ارتش ایران بودند:

میبند دوست، مردم دوست، رزمنده، پر خوردار از سواد و معلومات، بهره مند از سرشتی پاک و دارای شهامت اخلاقی بودند. آنها با استقرار نظم شاهنشاهی در ارتش و اطاعت کورکورانه از فرماندهان مخالف بودند و نفوذ امپریالیست را در ایران و سلطه مستشاران و جاسوسان امریکائی را بر ارتش نمی خواستند. آنان برای ایرانی مستقل، آزاد و آباد مبارزه میکردند. این گروه از افسران و درجه داران، به تناسب، سالهایی از زندگی خود را وقف مبارزه به خاطر این اهداف میهنی و انسانی کرده بودند و در محیط کار و زندگی خود، به پاک، شهامت، پیکار-جوئی، عدالت خواهی و وطن دوستی اشتهار داشتند.

بازداشت و محاکمه و تیرباران این فرزندان راستین خلق، خواست امپریالیسم امریکابود، تا اولاً در مردم ایجاد رعب و وحشت کند و راه را برای نفوذ مجدد خود و متحدانش در کشور ما بکشد؛ و ثانیاً

ارتش ایران را، که میبایست زیر نظر مستشاران جاسوس امریکا، به ابزار سرکوب خلق و جنبش های مترقی منطبق بدل شود، از وجود این افسران میهن-دوست و ضد امپریالیست تهی سازد.

امپریالیسم امریکا، به کمک مزدور دست نشانده خود محمدرضا، در این توطئه توفیق یافت: ۳۲ نفر از افسران توده ای تیرباران و بقیه به حبس های طولانی محکوم شدند، که شش تن از برترین، زنده ترین و مقاوم ترین آنان، ۲۵ سال تمام را در زندانهای شاه ملعون گذراندند و فقط در جریان انقلاب، بدست خلق رزمنده، آزادی خود را بازیافتند.

وزارت دفاع شاهنشاهی به هر یک از همسران این افسران، تا زمانی که ازدواج مجدد نکرده اند، مبلغ ناچیز ۲۰۰ تومان و برای هر فرزند مبلغ ۵۰ تومان می پرداخت.

# این تبعیض برای چیست؟

که این مبلغ تنها در آخرین سال حکومت طاغوت، با توجه به نرخ گرانی و تورم بیست و چند ساله، به ۱۵۰۰ تومان افزایش یافته بود.

در دوران پس از پیروزی انقلاب، امید آن بود که از جانب مسئولین جمهوری اسلامی ایران، مبارزات ارزنده این افسران مورد تقدیر قرار گیرد، از آنان جبران خسارت مادی و معنوی شود و از خانواده های افسران شهید استمالت بعمل آید و به وضع مادی آنان رسیدگی شود، که با کمال تأسف چنین نشد.

به تناسب سابق خدمت و مبارزه این افسران میهن-دوست و شریف مورد توجه قرار نکرده، بلکه با خانواده های افسران شهید از سوی برخی مقامات مسئول چنان رفتار شد که بهیچ وجه در شان جمهوری اسلامی ایران نیست. تاکنون دوبار به قطع حقوق ۱۵۰۰ تومانی این خانواده ها اقدام شده، و ماهها به بیبانه های مختلف، آنانرا از دریافت این مبلغ ناچیز محروم کرده اند. در قبال درخواست کتبی این خانواده ها مبنی بر رسیدگی به سوابق خدمت افسران میهن دوست و مبارز و برقراری مستمری بازنشستگی درباره آنان، با آنکه نخست وعده هایی داده شد، ولی در جریان امر، این روند متوقف ماند و به این عنوان که به «توده ای» ها مقرر

بازنشستگی تعلق نخواهد گرفت، پرونده های تشکیل شده روی میزهای مقامات وزارت دفاع خاک میخورد و بدتر از همه آنکه، در مراجعه این خانواده ها به مراجع گوناگون، گاه چنان رفتار خشونت آمیزی با زنان و فرزندان افسران شهید میشود، که دهان از تأسف و حیرت باز میماند.

مراجع مسئول در وزارت دفاع چا دارد از امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بیاموزند که حتی در مورد خانواده های افسران خائن و کودتاچی چنان رفت و عطفی از خود نشان میدهند؛ از امام خمینی بیاموزند که حتی درباره سربازان و افسران مهاجم عراقی، که اکنون بعنوان اسیر در کشور ما بسر میبرند، فرمان رفتار انسانی و تأمین رفاه آنانرا میدهند. وقتی جمهوری اسلامی ایران یا خائنان و مهاجمان چنان رفتار بشردوستانه ای دارد و گفتار خود را با رفتار خویش هماهنگ میسازد، جای تأسف و شگفتی نیست که با خانواده هایی که سرپرست های خود را به «کنه» مبارزه با امپریالیسم، پسر کردگی امپریالیسم امریکا و نظام سلطنتی خائن پهلوی از دست دادند، چنین رفتار شود، سوابق خدمت و مبارزه آنان بحساب نیاید، حقوق ناچیز خانواده های آنان قطع و از برقراری مستمری بازنشستگی درباره آنان امتناع شود؟

ممکن است این یا آن مرجع مسئول در وزارت دفاع با «توده ای» ها مخالف باشد و از آنها خوشش نیاید. اما آیا «توده ای» ها، که مناصب عالی مقام و درجه و حتی زندگی خود را بخاطر اهداف میهن دوستانه و آزادی طلبانه از کف داده اند، حتی بدتر از کودتا-چی ها و اسرای جنگی هم هستند؟ آیا میتوان در حالی که پس از پیروزی انقلاب، از افراد غیر توده ای، جبران خسارت شده و سوابق خدمت آنها احیا گردیده، «توده ای» ها را از شمول این تصمیمات بجا، مستثنی کرد و حتی پرداخت حقوق ناچیز خانواده افسران شهید را هم، به بیبانه های گوناگون، قطع نمود؟ آیا مجاز است در شرایطی که وام خرید خانه به خانواده های افسران کودتاچی پرداخت میشود، همسر و فرزندان افسران شهید توده ای، در خانه اقوام و بستگان خود و یا در یک یا دو اطاق اجاره ای بسر ببرند؟ افسران کودتاچی خیانت کرده اند و خانواده هایشان چنین مورد استمالت قرار میگیرند - که درست است، و افسران توده ای از نخستین پیشاهنگان مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما بوده اند و خانواده هایشان چنین تحت فشارند که درست نیست و غیر عادلانه است.

ما از وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران و سایر مسئولین وزارت دفاع میخواهیم که با الهام از فرمان عطفوت آمیز امام خمینی برای تأمین رفاه خانواده های افسران معدوم کودتاچی، تبعیض نسبت به خانواده های افسران شهید توده ای را از بین ببرند و در برقراری مستمری بازنشستگی برای این خانواده ها و تأمین رفاه آنان، اقدامات لازم را بعمل آورند.

## کشایش کنفرانس جنبش کشورهای غیر متعهد در دهلی پایتخت هند

کنفرانس جنبش غیر متعهدها امروز در دهلی نو، پایتخت هند، آغاز بکار میکند. جمهوری اسلامی ایران، که سال گذشته به عضویت این جنبش درآمد، در این کنفرانس بعنوان عضو کامل جنبش غیر متعهدها شرکت دارد. اکنون اکثریت کشورهای آسیا و آفریقا و بخش بزرگی از کشورهای امریکای لاتین عضو این جنبش اند. جنبش غیر متعهدها در مبارزه بسخاطر استقلال ملی، پیشرفت اجتماعی، صلح و امنیت خلیفها و مبارزه علیه امپریالیسم به عامل مهمی در عرصه سیاست جهانی تبدیل شده است.

کنفرانس جنبش غیر متعهدها در شرایطی تشکیل میشود که در نتیجه تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، اوضاع این منطقه به رخامت گرائیده و سیاست تجاروی و توطئه های امپریالیسم امریکا، استقلال ملی کشورهای این منطقه را تهدید میکند. جنگ تحمیلی دارو دسته خائن صدام علیه جمهوری اسلامی ایران، که با تحریک امپریالیسم امریکا انجام گرفته، بر پیچیدگی و بفرنجی این وضع افزوده است. این اقدامات تجاوز کارانه و دیگر کوششهای دولت امریکا برای تشدید مسابقه تسلیحاتی، از آنجمله سلاح هسته ای، و بازگرداندن اوضاع بین المللی به دوران جنگ سرد، صلح و امنیت همه خلقهای جهان را تهدید میکند. در چنین شرایطی کنفرانس کشورهای غیر متعهد موظف است که با روشی واقع بینانه توجه اصلی خود را به حل این مسائل معطوف سازد، که در عین حال موجب استحکام وحدت و یکپارچگی بیشتر جنبش غیر متعهدها در مبارزه علیه امپریالیسم و بیخاطر حفظ و تحکیم استقلال ملی آنان خواهد شد.

## نماینده شوروی سیاست توسعه طلبانه و عملیات تروریستی اسرائیل را محکوم میکنند

والرین زورین، نماینده اتحاد شوروی، در اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، که در ژنو جریان دارد، سیاست توسعه طلبی اسرائیل در سرزمین های اشغالی را محکوم کرد و آنرا ناقض صریح حقوق بشر ارزیابی نمود. نماینده شوروی خاطرنشان ساخت که از سال ۱۹۶۷ تاکنون، در حدود ۲۰۰ هزار نفر از ساکنان سرزمینهای عربی اشغال شده از این سرزمینها بزور اخراج شده اند.

دولت صهیونیستی اسرائیل تلاش دارد که ترکیب جمعیت این سرزمینها را بطور اجباری و از طریق احداث اردوگاههای مهاجرنشین تغییر دهد. دولت اسرائیل ضمن نقض خشن قطعنامه های سازمان ملل متحد، بیت المقدس را پایتخت اسرائیل اعلام کرده است.

## رویدادهای جهان برنامه مانورهای نظامی آمریکا در عمان

سخنکوی پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) اعلام کرد که امریکا در پایان ماه جاری در خاک عمان مانورهای نظامی انجام خواهد داد. خبرگزاری یونایتد پرس در این باره گزارش داد که ۲۰۰ هزار نفر از سپاهیان «نیروهای واکنش سریع» در این مانورها شرکت خواهند کرد. بعقیده ناظران سیاسی، هدف از اجرای این مانورها، قدرت نمائی نظامی امریکا و تهدید کشورهای مستقل ملی این منطقه است.

**تشدید اقدامات تروریستی علیه سیاه پوستان**

ژوزف لوری، رئیس سازمان سیاه پوستان امریکائی بنام «کنفرانس رهبری مسیحی جنوب»، طی تلمکرام اعتراض آمیزی بعنوان جورج بوش معاون رئیس جمهور امریکا، درخواست کرد که شهر آتلانتا بعنوان «منطقه مصیبت زده» اعلام شود. در این تلمکرام آمده است:

«به عملیات تروریستی نژادپرستان سفید پوست علیه سیاه پوستان باید پایان داده شود.»

طی چند روز اخیر، جسد پانزده جوان سیاه پوست، که قربانی عملیات تروریستی نژادپرستان شده اند در اطراف شهر آتلانتا پیدا شده است. طی یکسال اخیر، هفتاد تن کودک و جوان سیاه پوست، از سن ۷ تا ۱۵ سالگی، مفقود و یا بدست نژادپرستان این شهر به قتل رسیده اند.